

روش کاوشگری در علوم تجربی

آمنه موحدی فر، بلاغت

خلاصه

پژوهش حاضر در راستای بررسی روش تدریس کاوشگری و تاثیر در پرورش خلاقیت و تفکر در درس علوم تجربی طراحی شده است. این روش علاوه بر اینکه روشی نوین در آموزش محسوب می شود بلکه دارای اثرات مثبتی در پرورش فکر و اندیشه به ویژه تفکر خلاق ف همیاری و همکاری ، بحث و تبادل نظر در کلاس میشود. مقاله پیش رو به روش توصیفی _تحلیلی و بیان مثالی کوتاه از این روش تدریس موضوع را روشن میسازد.

کلمات کلیدی: روش تدریس ، کاوشگری ، خلاقیت ، علوم تجربی

مقدمه

تعلیم و تربیت در دنیای امروز مفهومی متفاوت با گذشته دارد، هرگز نمی توان با طرز تلقی گذشته و سوگیری های قدیمی به دانش آموزان و تربیت آن ها نگرست .بنابراین، یکی از ضروری ترین تحولات درنظام های آموزشی، تحول در نگرش و نحوه تدریس معلمان و مدیران اجرایی نظام آموزشی است .برای دستیابی به چنین تحولی معلمان باید دانش و بینشی صحیح از نظری هها و راهبردهای مختلف و جدید آموزشی داشته باشند[1]

نظام های آموزشی همواره تلاش می کنند از شیوه ها و فنون متناسب با اصول و انتظارات برنامه های درسی، اهداف و محتوا را به درستی به مخاطبان انتقال دهند .برای نیل به این هدف مهم، معلمان از نقش بی بدیلی در نظام آموزشی برخوردارند، اگر آنان از فرایند علمی و منطقی آموزش مطلع نباشند و برای تحقق اهداف از شیوه هایی نامتناسب بهره بگیرند، همه فعالیت های تعلیم و تربیت بی ثمر خواهد بود .تعلیم و تربیت در دنیای امروز مفهومی متفاوت با گذشته دارد و ضروری است برای ایجاد تحول درنظام آموزشی، علاوه بر ایجاد تحول در خرده سیستم های مختلف، در نگرش و تدریس معلمان نیز تحولاتی ایجاد شود .برای دستیابی به چنین تحولی معلمان باید دانش و بینشی صحیح از نظریه ها و راهبردهای مختلف و جدید آموزشی داشته باشند[1] برای نیل به اهداف کیفی آموزش و پرورش ناگزیر باید در برنامه ها و مواد درسی و حتی در وظایف مدارس و معلمان بازنگری گردد . بسیار ضرورت دارد که نحوه افزایش مهارتهای تفکر کودکان بررسی و مورد تحقیق واقع شود؛ تا برای اینکه بتوانیم تفکر خلاق و انتقادی را که یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش است ،ارتقاء بخشیم باید انسانهایی را تربیت کنیم، که قابلیت انجام کارهای جدید را داشته باشند .و فقط آن چه را که سایر نسل ها انجام داده اند تکرار و حفظ نکنند (پریچارد به نقل از فیشر ۱) گرایش معلم به روش های متکی به انتقال دانش به ذهن دانش آموزان،تمایل و وابستگی آنان را به معلم افزایش داده و منجر به وخیم تر شدن مشکلات یادگیری در زمینه های معلم نباید محتواهای گوناگون درسی را به ذهن محتواهای گوناگون می شود[2]

در بسیاری مواقع شاید این موضوع به دور از واقعیت نباشد که نه معلم می داند محتوایی را چرا باید درس بدهد و نه دانش آموز چرایی انتخاب محتوا را می داند .نه معلم می داند محتوا را به چه روش صحیح و سودمندی تدریس نماید و نه دانش آموز چگونه یادگرفتن را می داند .معلم صرفاً درس می دهد و فراگیران نیز به طور موقتی حفظ می کنند، ما فقط یاد گرفت هایم درس